

تدوین مدل ثبات رابطه زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با

میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله

۱. الهام رضایی فر، ۲. مژگان سپاه منصور*، ۳. رویا کوچک انتظار، ۴. شیرین کوشکی

۱. دانشجوی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، ۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۳. استادیار گروه روان‌شناسی،

دانشگاه آزاد اسلامی، ۴. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی

(تاریخ وصول: ۹۷/۰۷/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۸)

Developing Model of Marital Stability Based on Personality Characteristics and Perceived Stress Mediating by problem Solving styles

1. Elham Rezaeifar, 2. Mojgan Sepahmansour, 3. Roya Kochakentezar, 4. Shirin Kooshki

1. Ph.D Student of Psychology, Islamic Azad University, 2. Associate Professor of Psychology Group, Islamic Azad University, 3. Assistant Professor of Psychology Group, Islamic Azad University, 4. Assistant Professor of Psychology Group, Islamic Azad University.

(Received: Mar. 19, 2019 - Accepted: Oct. 14, 2018)

Abstract

Introduction: The present study was conducted with the aim of developing Marital Stability Model based on Personality Characteristics and Perceived Stress mediating by problem solving styles. **Method:** To do the research, 500 married women in Tehran City were selected through Loehlin (2004) method using available sampling method. To measure the study variables, Perceived Stress Scale (Cohen, Kamarck & Mermelstein, 1983), Marital Instability Index (Edwards, Johnson & Booth, 1987), the short form of NEO Personality Five- Factor Inventory (Costa & McCrae, 1985), and Problem-Solving Style (Cassidy & Long, 1996) were used. The study was based on structural equation modeling, specifically, the regression equations. **Results:** The findings showed that Personality Characteristics and Perceived Stress Mediating by problem Solving styles had an indirect effect on Marital Stability. **Conclusion:** The fit indices showed that the proposed model in the study has a good fit with the data gathered from married women and a close relationship with the theoretical assumptions.

Keywords: Marital Stability, problem solving styles, Personality Characteristics, Perceived Stress.

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل ثبات رابطه زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله در زنان متأهل انجام شد. روش: بدین‌منظور با استفاده از روش لوهلین (۲۰۰۴) تعداد ۵۰۰ زن متأهل به روش نمونه‌گیری در دسترس از شهر تهران انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از مقیاس استرس ادراک‌شده (کوهن، کامارک و مرمل‌استین، ۱۹۸۳)، شاخص بی‌ثباتی رابطه زناشویی (ادواردز، جانسون و بوث، ۱۹۸۷)، فرم کوتاه مقیاس پنج عاملی شخصیت نئو (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۵)، پرسشنامه سبک‌های حل مسئله (کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶) استفاده گردید. روش پژوهش از نوع معادلات ساختاری به‌طور خاص؛ معادلات رگرسیونی بود. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله بر ثبات رابطه زناشویی اثری غیرمستقیم دارد. نتیجه‌گیری: شاخص‌های برازش نشان داد که مدل پیشنهادی در این پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده از زنان متأهل برازش مناسب و ارتباط نزدیکی با فرض‌های نظری دارد.

واژگان کلیدی: ثبات زناشویی، سبک‌های حل مسئله، ویژگی‌های شخصیتی، استرس ادراک شده.

مقدمه

کارنی و برادبوری^۶ (۱۹۹۵) است. براساس این مدل آسیب‌پذیری‌های پایدار، رویدادهای استرس‌زا و رفتارهای انطباقی از جمله مهمترین عوامل اثرگذار بر کیفیت و ثبات رابطه زناشویی هستند. طبق این مدل، افراد آسیب‌پذیری‌هایی پایدار را با خود به زندگی زناشویی می‌آورند که بر روابط زناشویی آنان اثرگذار است (لانگر، لاورنس و باری^۷، ۲۰۰۸). آسیب‌پذیری‌های پایدار ویژگی‌ها، تمایلات یا تجاربی هستند که مانع شادمانی و موفقیت در ازدواج هستند و شامل ویژگی‌هایی مانند مهارت‌های ارتباطی ضعیف، حوادث آسیب‌زای دوران کودکی و ویژگی‌های شخصیتی هستند (برایت‌وایت^۸ و همکاران، ۲۰۱۶). از میان آسیب‌پذیری‌های پایدار، ارتباط بین شخصیت و ازدواج باثبات موضوع مورد علاقه محققان بسیاری بوده است (مدوگا و کواکی - ناوکو^۹، ۲۰۱۶). شخصیت را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های نسبتاً پایدار و منحصر به فرد که می‌تواند در موقعیت‌های مختلف تغییر نماید، تعریف نمود (بلواردی، دماوندیان و طالبی، ۲۰۱۵). ویژگی‌های شخصیتی یکی از عوامل مهم جهت برخورداری از منابع مورد نیاز برای مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، ادراک رویدادهای استرس‌زا و کیفیت بالای زندگی است (پریرا - مورالز^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸). یکی از رویکردهای

ازدواج بادوام و پایدار اغلب به‌عنوان هدف اصلی زندگی در نظر گرفته می‌شود و شاخصی کلیدی نه تنها برای موفقیت زناشویی بلکه همچنین برای رفاه و سلامتی جامعه است (پرولکس، هلمز و بوهرلر^۱، ۲۰۰۷). ثبات زناشویی ماندن در یک رابطه زناشویی قانونی بدون طلاق، جدایی فیزیکی یا جدایی قانونی است و شامل پذیرش و درک یکدیگر، داشتن علائق و دیدگاه‌های مشترک جهت مواجهه با مسائل و حفظ همبستگی و صمیمیت است (میتچل و پلاوچ^۲، ۲۰۱۸). بهره‌مندی از رابطه زناشویی کارآمد و باثبات آرزوی هر زوجی است، اما زندگی مشترک تحت‌تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آن‌ها ممکن است زوجین را به‌سوی اختلاف، جدایی عاطفی و طلاق سوق دهد (تیموس و پاولا^۳، ۲۰۱۶). شناسایی شاخص‌های تعیین‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی جهت پیشگیری از آسیب‌های ازدواج، غنی‌سازی رابطه میان همسران، افزایش سازش‌یافتگی زوجین در زندگی زناشویی و ارتقاء سطح آگاهی؛ می‌تواند به زوجین در برقراری یک رابطه مؤثر و پایدار کمک کند (کار^۴ و همکاران، ۲۰۱۴).

یکی از مهم‌ترین و پراستنادترین مدل‌های مطرح شده در زمینه ثبات رابطه زناشویی، مدل آسیب‌پذیری - استرس - انطباق - پذیری^۵ (VSA)

6. Karney & Bradbury
7. Langer, Lawrence & Barry
8. Braithwaite
9. Madugah & Kwakye-Nuako
10. Pereira-Morales

1. Proulx, Helms & Buehler
2. Mitchell & Plauche
3. Timothy & Paula
4. Carr
5. Vulnerability- Stress- Adaptation (VSA)

متمرکز بر مسئله استفاده می‌کنند (دینر و لوکاس^۴، ۲۰۱۸). براساس پژوهش ارسلن (۲۰۱۶) افراد وظیفه‌شناس به دلیل ویژگی‌های کارآمدی، شایستگی و وظیفه‌مداری در مقابله با یک موقعیت تنش‌زا از راهبردهای حل مسئله بیشتری استفاده می‌کنند. در مقابل افراد روان‌رنجور قادر به حل فعالانه مسائل نیستند، زیرا اکثر اوقات روی هیجانات‌شان تمرکز دارند. آن‌ها در مواجهه با مسائل و تعارضات در زندگی روزانه از راهبردهای منفعلانه از قبیل اجتناب، سرزنش، درماندگی و همچنین از روش‌های ستیزه‌جویانه بین فردی از قبیل نزاع، واکنش خشونت‌آمیز و تخلیه هیجانی استفاده می‌کنند (ایونیوک^۵ و همکاران، ۲۰۱۴).

برطبق مدل کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) دومین عامل اثرگذار بر ثبات رابطه زناشویی رویدادهای استرس‌زا در زندگی هستند. استرس یکی از پدیده‌هایی است که تأثیرات مهمی بر روابط زوجین و سلامت روان خانواده دارد (لانگر، لاورانس و باری، ۲۰۰۸). استرس ادراک شده به درجه‌ای که افراد رویدادهای زندگی را غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل کنترل و پرفشار ارزیابی می‌کنند، اشاره دارد (کوهن، جانیکی‌دوارتز و میلر^۶، ۲۰۱۲). براساس نظریه‌های پردازش شناختی نحوه پردازش و ادراک محرک‌های محیطی نقش اساسی در شکل‌گیری رفتار دارد (موجزیچ^۷، ۲۰۱۵). استرس از طریق ایجاد هیجانات و عواطف منفی می‌تواند

معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی مدل پنج عاملی شخصیت^۱ (FFM) است. برون‌گرایی، روان‌رنجوری، انعطاف‌پذیری، وظیفه‌شناسی و سازگاری ابعاد اصلی مدل پنجگانه شخصیت هستند (ترول و ویدیگر^۲، ۲۰۱۳). اثرات شخصیت بر عملکرد فردی در حوزه زناشویی و ماهیت و کیفیت روابط زوجین توسط تحقیقات بسیاری مورد توجه قرار گرفته است. براساس پژوهش محمدی و باقری (۲۰۱۸) ویژگی‌های شخصیتی تأثیر مستقیمی بر بی‌ثباتی رابطه زناشویی دارد. طبق یافته‌های آن‌ها روان‌رنجوری رابطه مستقیم معناداری بر بی‌ثباتی زناشویی دارد؛ در حالی که چهار ویژگی شخصیتی دیگر تأثیر منفی معناداری بر بی‌ثباتی زناشویی دارند. براساس یافته‌های پژوهش پیرا - مورالز^۳ و همکاران (۲۰۱۸) از میان میان ویژگی‌های شخصیتی، انعطاف‌پذیری بهترین پیش‌بین یک زندگی با کیفیت است. موسوی (۲۰۱۷) در پژوهشی نشان داد از میان پنج ویژگی شخصیتی، روان‌رنجوری رابطه منفی معنادار و برون‌گرایی و سازگاری رابطه مثبت معناداری با سازگاری زناشویی دارند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند بر سبک‌های حل مسئله به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم اثر بگذارند. برای مثال افراد روان‌رنجور معمولاً از سبک‌های اجتنابی یا هیجان‌مدار استفاده می‌کنند؛ اما افرادی که نمره بالایی در ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی دارند، از راهبردهای سازنده و

4. Diener & Lucas

5. Iveniuk

6. Cohen, Janicki- DeVerts, & Miller

7. Mojzisch

1. Five-Factor Model (FFM) of personality

2. Trull & Widiger

3. Pereira-Morales

مرز^۶ و همکاران (۲۰۱۴) نتایج نشان داد که بین استرس درونی، استرس بیرونی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و زنانی که مهارت بیشتری در مقابله با استرس داشتند، رضایت زناشویی بالاتری دارند که این امر رضایت همسرشان از رابطه زناشویی را نیز به‌طور مثبتی تحت‌تأثیر قرار می‌داد. براساس پژوهش رندال و بودنمن (۲۰۱۷) استرس از طریق کاستن زمان باهم بودن زوجین و به اشتراک‌گذاری تجارب، تضعیف احساس باهم بودن، کاهش تعاملات مثبت، افزایش ایجاد مشکلات شخصیتی و روانی، افزایش خطر ابتلاء به مشکلات جسمانی و روان‌شناختی و کاهش خودافشایی در زوجین بر کیفیت و ثبات رابطه زناشویی تأثیری منفی برجای می‌گذارد. هنگام بالا بودن استرس‌های روزانه، زوجین رویدادهای زندگی را به‌صورت منفی‌تر ادراک و ارزیابی می‌کنند (لاونر^۷ و برادبوری، ۲۰۱۷).

جزء دیگر مدل VSA که بر کیفیت و ثبات رابطه زناشویی تأثیرگذار است، رفتارهای انطباقی است. رفتارهای انطباقی روش‌ها یا رفتارهایی هستند که همسران با مسائل و مشکلات زندگی مشترک کنار می‌آیند مانند مهارت مدیریت تعارضات، حمایت همسر و حل مسئله (لانگر، لورنس و باری^۸، ۲۰۰۸). یکی از اجزای رفتارهای انطباقی که به‌طور مستقیم با کیفیت و ثبات زناشویی رابطه دارد، سبک‌های حل مسئله یا چگونگی کنار آمدن زوجین با تعارضات موجود

از دو طریق بر عملکرد شناختی تأثیر گذاشته و ادراک و توجه فرد را منحرف و مختل سازد: تأثیر بر الگوی سرعت پردازش اطلاعات و دیگری، سوگیری در انتخاب و تفسیر اطلاعات که نتیجه آن اشتغال ذهنی و پاسخ به خطر ادراک شده است (سیزلر و کاستر^۱، ۲۰۱۲). سطوح بالای استرس با افزایش احتمال تفسیر منفی از محرک‌های مبهم ارتباط دارد؛ یعنی در موقعیت استرس‌زا احتمال ادراک مبهم محرک‌های محیط به‌عنوان محرک‌های خطرناک در افراد بیشتر است (مانر^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). استرس با تغییرات نوروبیولوژیکی که به‌دنبال دارد، موجب ضعف کارکردهای اجرایی می‌شود. کارکردهای اجرایی در برگیرنده گستره وسیعی از فرایندهای شناختی و توانایی حل مسئله، توجه، استدلال، سازماندهی، برنامه‌ریزی، حافظه فعال، کنترل تکانه و بازداری پاسخ است (شانسکی و لیز^۳، ۲۰۱۳). از دیدگاه یو^۴ (۲۰۱۶) استرس از طریق کاهش فعالیت در نواحی جلوی مغز که در کنترل اجرایی نقش دارد، منجر به ایجاد تغییر در استدلال تحلیلی فرد شده و فرایند تفکر هیجانی و اکتشاف را که عامل تصمیم‌گیری‌های پرخطر و آنی هستند، افزایش می‌دهد.

در رابطه زناشویی استرس همیشه یک پدیده دوجانبه است که هر دو شریک را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رندال و بودنمن^۵، ۲۰۰۹). در پژوهش

6. Merz
7. Lavner
8. Langer, Lawrence & Barry

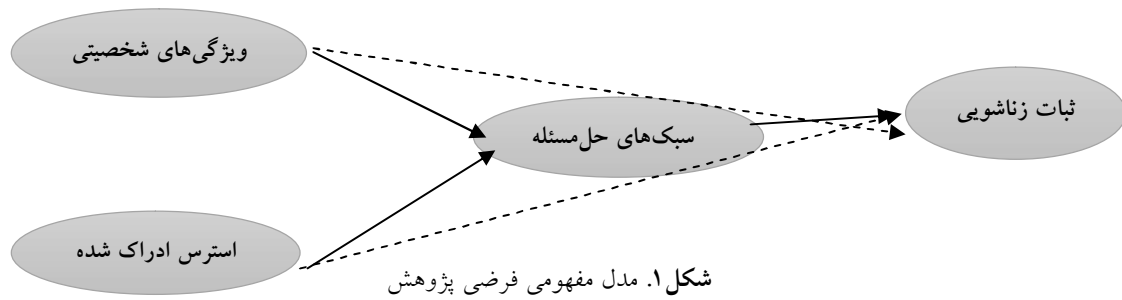
1. Cisler & Koster
2. Maner
3. Shansky & Lipps
4. Yu
5. Randall & Bodenmann

مهارت‌های ارتباطی و انسجام خانواده توانایی پیش‌بینی سازگاری زناشویی را دارند.

با توجه به اهمیت موضوع و نظر به این که کشف و تبیین پویایی‌های روابط زناشویی و متغیرهای پیش‌بینی کننده ثبات رابطه زناشویی به دلایل نظری و بالینی هم برای زوجها و هم برای جامعه حائز اهمیت است، ضرورت تدوین و آزمون الگوهای نظری که در آن رویکردهای نظری مختلف مورد توجه قرار گرفته است، کاملاً آشکار و روشن است؛ زیرا که از طریق درک، تبیین و پیش‌بینی روابط زناشویی با استفاده از الگوهای نظری و ارائه اطلاعات مفید و سودمند در مورد روابط پایدار می‌توان به بهبود این روابط کمک کرد (میکالینسر و شاور^۵، ۲۰۰۷). لذا پژوهش حاضر درصدد آن است که براساس مدل آسیب‌پذیری - استرس - انطباق‌پذیری (VSA) کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) مدلی علی در زمینه ثبات زناشویی متناسب با جامعه ایرانی تدوین کند که بتواند در اختیار درمانگران حوزه خانواده و مشاوره قرار گیرد و همچنین به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله به طور غیرمستقیم بر ثبات رابطه زناشویی اثر دارند؟

در زندگی زناشویی است (استیوبر^۱، ۲۰۰۵). از آنجا که همه زوجین در برهه‌ای از زمان به گونه‌ای درگیر استرس و تعارضات زناشویی متفاوت هستند، آنچه در حفظ هماهنگی خانواده نقش اساسی پیدا می‌کند، مهارت حل مسئله است (مهری‌نژاد، مکرمی و استوار، ۲۰۱۵). حل مسئله یک فرایند شناختی - رفتاری پیچیده با هدف سازگاری با چالش‌های درونی و بیرونی است که از طریق آن فرد تلاش می‌کند تا راه‌حل‌های مؤثر را برای یک مسئله خاص شناسایی کند (هپنر^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). توانایی زوجها برای حل و فصل تعارض و مقابله مناسب با آن تعیین‌کننده رضایت یا عدم رضایت از رابطه زناشویی است. تحقیقات نشان داده‌اند که زوجینی که از راهبردهای سازنده حل مسئله و الگوهای تعاملی مثبت در روابط خود بهره می‌گیرند و به‌طور سازنده درباره تفاوت‌ها و مسائل بحث می‌کنند، از کیفیت و ثبات بیشتری در روابط زناشویی برخوردارند (برتونی و بودنمن^۳، ۲۰۱۰؛ ویلر، کیم‌برلی و شاونائ^۴، ۲۰۱۰). براساس پژوهش مامی و همکاران (۲۰۱۶) استفاده از مهارت‌های سازنده حل مسئله برای رفع مسائل و کنترل هیجانات منفی و تأثیر متقابل آن‌ها بر روی یکدیگر نقش مهمی در کاهش تعارضات و ابعاد آن و کاهش واکنش‌های هیجانی دارد. براساس پژوهش سلیمی، محسن‌زاده و محمدنظری (۲۰۱۵) مهارت تصمیم‌گیری، حل مسئله، مهارت‌های مقابله و

1. Steuber
2. Heppner
3. Bertoni & Bodenmann
4. Wheeler, Kimberly & Shawna



روش

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش: پرسشنامه بی‌ثباتی زناشویی^۳ (MII): این شاخص یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی رابطه زناشویی و تمایل به طلاق توسط ادواردز، جانسون و بوث^۴ (۱۹۸۷) ساخته شد. نمره‌گذاری پرسشنامه به این صورت است که به پاسخ «بله» نمره ۱ و به پاسخ «خیر» نمره صفر تعلق می‌گیرد. از آنجا که در پژوهش حاضر ثبات رابطه زناشویی سنجیده می‌شود؛ نمره‌گذاری به صورت معکوس انجام شد. نمره بین ۰-۲ نشان‌دهنده ۲۲٪ احتمال طلاق، نمره بین ۳-۴ با احتمال طلاق ۲۶٪، نمره بین ۵-۶ با احتمال طلاق ۳۱٪، نمره بین ۷-۹ با ۳۸٪ احتمال طلاق و نمره بالای ۱۰، با احتمال طلاق ۴۳٪ در سه سال آینده همراه است. روایی همزمان این پرسشنامه توسط ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷) تأیید شد و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد. در ایران نیز ثباتی (۲۰۰۸) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کرد. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد.

مقیاس استرس ادراک شده^۵ (PSS): این مقیاس توسط کوهن، کامارک و مرمل‌استین^۶ (۱۹۸۳) برای سنجش استرس ادراک شده در یک ماه گذشته تهیه شد. این مقیاس

پژوهش حاضر با توجه به هدف آن از نوع پژوهش‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ (SEM) به‌طور خاص معادلات رگرسیونی (تلفیق تحلیل مسیر و تحلیل عاملی سطح دوم) بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن شهر تهران بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و با توجه به تعداد متغیرهای پنهان به روش لوهلین^۲ (۲۰۰۴) نمونه‌ای شامل ۵۰۰ زن متأهل از میان مراجعه‌کنندگان به سرای محله‌ها در غرب تهران انتخاب شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از اینکه حداقل ۵ سال از تاریخ ازدواج آن‌ها گذشته باشد، بازه سنی شان بین ۲۵ تا ۴۰ سال باشد، دارای حداقل یک فرزند باشند، اولین ازدواجشان باشد، از حداقل تحصیلات دیپلم برخوردار بوده و شاغل نباشند. ملاک‌های خروج از پژوهش عبارتند از هر زمان که فرد تمایل داشته باشد، از فرایند تکمیل ابزار خارج شود و عدم دقت کافی در تکمیل پرسشنامه‌ها. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از مدل‌یابی معادلات رگرسیونی ساختاری و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و ایموس نسخه ۲۳ استفاده شد.

3. Marital Instability Index (MII)
4. Edwards, Johnson & Booth
5. Perceived Stress Scale (PSS)
6. Cohen, Kamarck & Mermelstein

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Loehlin

پرسشنامه سبک‌های حل مسئله (PSS) این مقیاس که توسط کسیدی و لانگ^۲ (۱۹۹۶) ساخته شد، شامل ۲۴ سؤال دو گزینه‌ای است و در مجموع شش سبک حل مسئله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این سبک‌ها عبارتند از درماندگی، مهارگری، اجتناب، خلاقیت، اعتماد و گرایش. سه سبک نخست زیرمقیاس حل مسئله غیرسازنده و سه سبک بعدی زیرمقیاس حل مسئله سازنده هستند. نمره‌گذاری پرسشنامه به شکل صفر و یک انجام می‌شود و برای گزینه «نمی‌دانم» نیز نمره ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود. کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در یک مطالعه برای سبک‌های درماندگی، مهارگری، خلاقیت، اعتماد، اجتناب و گرایش به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۶۶، ۰/۵۷، ۰/۷۱، ۰/۵۲ و ۰/۶۵ بدست آوردند. محمدی و صاحبی (۲۰۰۱) پایایی درونی این آزمون را با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۰ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس ۰/۸۲ بدست آمد.

یافته‌ها

در ابتدا با بررسی پیش‌فرض‌های آماری با استفاده از آزمون‌های کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای و کولموگروف - اسمیرنوف^۳ داده‌های پرت شناسایی و سپس با استفاده از آزمون ماہالانوبیس^۴ داده‌های پرت حذف گردید. همچنین پس از بررسی نرمالی داده‌ها مدل اندازه‌گیری دو متغیر پژوهش بررسی و تأیید گردید. همچنین نتایج میانگین واریانس‌های استخراجی^۵ (AVE) نشان می‌دهد تمامی مقادیر بدست آمده در مدل اندازه‌گیری از خرده مقیاس‌های

دارای ۱۰ گویه است و براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش کوهن، کامارک و مرمل استین (۱۹۸۳) آلفای کرونباخ برای این مقیاس در سه مطالعه ۰/۸۴ و ۰/۸۵ بدست آمده است. در پژوهش سپهوند، گیلانی و زمانی (۲۰۰۹) نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۰ بدست آمد. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس ۰/۸۳ بدست آمد.

فرم کوتاه مقیاس پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI): فرم کوتاه مقیاس پنج عاملی شخصیت کاستا و مک‌کری (۱۹۸۵) با ۶۰ گویه پنج عامل اصلی شخصیت شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی را می‌سنجد. در این فرم برای هر عامل ۱۲ گویه وجود دارد و برای هر گویه طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) در نظر گرفته شده است. گویه‌ها از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شوند و نمره هر عامل می‌تواند بین صفر تا ۴۸ باشد (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲). مک‌کری و کاستا (۲۰۰۴) ضرایب پایایی پنج ویژگی شخصیتی آزمون نئو فرم کوتاه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۹ گزارش نمودند. در پژوهش کوهی، اعتمادی و فتحی‌زاده (۲۰۱۴) ضریب همبستگی حاصل از روایی همزمان بین فرم کوتاه و بلند این آزمون بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۱ و پایایی فرم کوتاه پرسشنامه بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۶ بدست آمد. ضریب حاصل از همسانی درونی این پرسشنامه نیز به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس ۰/۸۴ بدست آمد.

2. Cassidy & Long
3. Kolmogorov-Smirnov Test
4. Mahalanobis
5. Average Variance Extracted

1. NEO Five- Factor Inventory (NEO-FFI)

الهام رضایی فر و همکاران: تدوین مدل ثبات رابطه زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با ...

ویژگی‌های شخصیتی، استرس ادراک‌شده، نشان‌دهنده آن است که مقادیر بدست آمده از سبک‌های حل مسئله و ثبات زناشویی از حد معیار ۰/۵ بزرگتر هستند که نشان‌دهنده روایی از نوع همگرا است. همچنین پایایی مرکب (پایایی سازه)

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون خرده مقیاس‌های ویژگی‌های شخصیتی، استرس ادراک شده، سبک‌های حل مسئله و ثبات زناشویی

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
روان‌رنجوری	۳۶/۵۰	۷/۲۲	۱									
برون‌گرایی	۳۳/۷۰	۶/۱۸	-.۳۳**	۱								
انعطاف‌پذیری	۳۷/۶۲	۶/۸۰	-.۱۹**	۰/۵۶**	۱							
سازگاری	۳۶/۸۰	۷/۳۷	-.۲۸**	۰/۴۹**	۰/۳۷**	۱						
وظیفه‌شناسی	۳۸/۴۴	۶/۹۷	-.۳۱**	۰/۱۴*	۰/۳۸**	۰/۳۴**	۱					
ثبات رابطه زناشویی	۲۶/۴۲	۳/۶۷	-.۲۰**	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۱				
استرس ادراک‌شده	۱۶/۵	۷/۳۵	۰/۲۸**	-.۳۱**	-.۱۳*	-.۱۲*	-.۲۵**	-.۲۱**	۱			
سبک غیرسازگارانه حل مسئله	۴/۳۵	۱/۷۵	۰/۱۸**	-.۲۷**	-.۲۲**	-.۲۹**	-.۱۵**	-.۱۸**	۰/۳۷**	۱		
سبک سازگارانه حل مسئله	۸/۵۲	۲/۰۳	-.۲۲**	۰/۲۲**	۰/۱۸**	۰/۲۸**	۰/۲۳**	۰/۲۴**	-.۳۴**	-.۳۹**	۱	

*در سطح ۰/۰۵ معناداری است. **در سطح ۰/۰۱ معناداری است. N=۴۸۲

می‌دهد. سپس از رایج‌ترین شاخص‌های آماری برازش که در جدول ۲ آمده‌اند، جهت برازش مدل استفاده شد.

نتایج مندرج در جدول ۲ همبستگی معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی، استرس ادراک‌شده و سبک‌های حل مسئله با ثبات زناشویی را نشان

جدول ۳. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها پس از دو مرحله اصلاح

نام آزمون	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقادیر قبل از تصحیح
	کاپاسکوئر نسبی	< ۳	۲/۰۳
χ^2	آزمون نیکویی برازش مجذور کای	-	۱۵۸/۳۴۱
DF	درجه آزادی	-	۷۸
RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	< ۰/۱	۰/۰۴۲
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	> ۰/۹	۰/۹۳۷
NFI	شاخص برازش نرم	> ۰/۹	۰/۹۷۱
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	> ۰/۹	۰/۹۵۴

مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۲ است؛ لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان‌دهنده این است که میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب است و مدل قابل قبول است. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۲/۰۳) بین ۱ و ۳ است و میزان شاخص - GFI، CFI و NFI نیز تقریباً برابر و بزرگتر از ۰/۹ است که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب است.

جدول ۴. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (ML)

متغیر	b	β	R ²	معناداری
روان‌رنجوری بر ثبات رابطه زناشویی	-۰/۳۴	-۰/۲۲	۰/۰۷	۰/۰۰۱
برون‌گرایی بر ثبات رابطه زناشویی	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۰۶	۰/۰۰۲
انعطاف‌پذیری بر ثبات رابطه زناشویی	۰/۲۸	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۰۴۸
سازگاری بر ثبات رابطه زناشویی	۰/۲۶	۰/۱۳	۰/۰۳	۰/۰۲۱
وظیفه‌شناسی بر ثبات رابطه زناشویی	۰/۱۷	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۲
استرس ادراک‌شده بر ثبات رابطه زناشویی	-۰/۵۴	-۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۰۱
سبک غیرسازگارانه حل مسئله بر ثبات رابطه زناشویی	-۰/۱۹	-۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۰۰۵
سبک سازگارانه حل مسئله بر ثبات رابطه زناشویی	۰/۲۸	۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۰۲

الهام رضایی فر و همکاران: تدوین مدل ثبات رابطه زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی و استرس ادراک شده با ...

با توجه به جدول فوق مسیرهای ویژگی‌های اثر مستقیم معناداری بر ثبات رابطه زناشویی دارا شخصیتی، استرس ادراک‌شده، سبک‌های حل مسئله هستند.

جدول ۵. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی

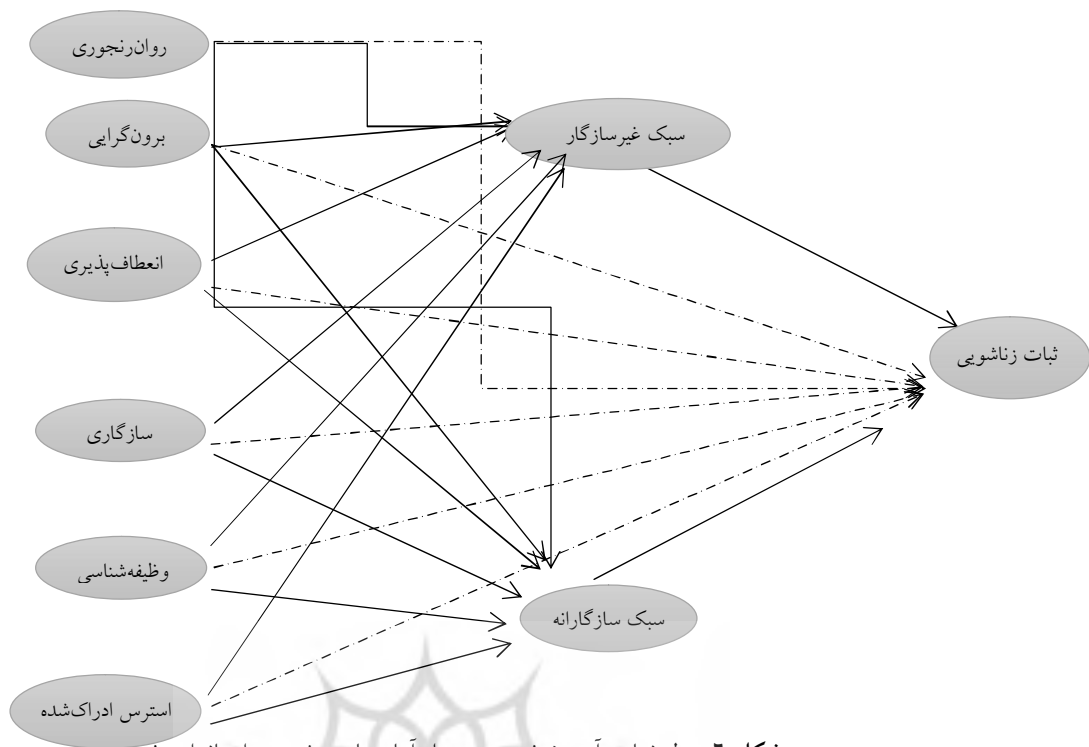
معناداری	R ²	B مسیر غیرمستقیم	B مسیر مستقیم	متغیرها
۰/۰۳۱	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۱۲	روان‌رنجوری بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک غیرسازگارانه حل مسئله
۰/۰۰۱	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۷	برون‌گرایی بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک غیرسازگارانه حل مسئله
۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۸	۰/۱۲	انعطاف‌پذیری بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک غیرسازگارانه حل مسئله
۰/۰۰۲	۰/۰۳	۰/۱۵	۰/۲۱	سازگاری بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک غیرسازگارانه حل مسئله
۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۷	۰/۱۱	وظیفه‌شناسی بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک غیرسازگارانه حل مسئله
۰/۰۱۲	۰/۱۸	۰/۰۶	۰/۱۱	استرس ادراک‌شده بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک غیرسازگارانه حل مسئله
۰/۰۴۸	۰/۰۰۶	۰/۰۸	۰/۱۳	روان‌رنجوری بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک سازگارانه حل مسئله
۰/۰۳۱	۰/۰۱۲	۰/۰۹	۰/۱۳	برون‌گرایی بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک سازگارانه حل مسئله
۰/۰۴۲	۰/۰۱۲	۰/۰۸	۰/۱۵	انعطاف‌پذیری بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک سازگارانه حل مسئله
۰/۰۴۶	۰/۰۰۲	۰/۰۳	۰/۰۸	سازگاری بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک سازگارانه حل مسئله
۰/۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۷	۰/۱۲	وظیفه‌شناسی بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک سازگارانه حل مسئله
۰/۰۳۷	۰/۰۱۶	۰/۱۰	۰/۱۶	استرس ادراک‌شده بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک سازگارانه حل مسئله

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد؛ از مسیرهای غیرمستقیم در نظر گرفته شده با توجه به مقادیر استاندارد شده (β)، استاندارد نشده (b) بدست آمده، مسیر استرس ادراک‌شده و ویژگی‌های شخصیتی بر ثبات رابطه زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله، با توجه به مقدار بدست آمده، دارای واریانس تبیین شده (R^2) هستند و اثر غیر مستقیمی بر ثبات رابطه زناشویی نشان می‌دهند و با توجه به روش برآورد حداکثر درست‌نمایی^۱ (ML) مورد تأیید واقع گردید. برای ایجاد متغیرهای نهفته،

ضروری است نشانگرهای چندگانه از هر کدام از متغیرها وجود داشته باشد. معمولاً از زیر مقیاس‌های سنجها به‌عنوان نشانگرهای جداگانه معرف سازه استفاده می‌کنیم؛ اما در برخی موارد زیر مقیاس‌های چندگانه معرف سازه خاص وجود ندارد. در این صورت از بسته‌های آیت^۲ که توسط راسل^۳ و همکاران (۱۹۹۸) توصیف شده است، استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز از این روش ذکر شده، با توجه به عدم همبستگی مستقیم بین خرده‌مقیاس‌های هر متغیر پنهان، استفاده گردید.

2. Item Parcels
3. Russell

1. Maximum Likelihood



شکل ۶. مدل نهایی آزمون شده به همراه آماره‌های پیش‌بینی استاندارد شده

نتیجه‌گیری و بحث

همکاران (۲۰۱۶)، مامی و همکاران (۲۰۱۶)، ساداتی، محرابی‌زاده‌هنرمند و سودانی (۲۰۱۵)، نریمانی و همکاران (۲۰۱۵)، سلیمی، محسن‌زاده و محمدنظری (۲۰۱۵)، سولومون و جکسون^۱ (۲۰۱۴)، بانرجی و باسو^۲ (۲۰۱۴) و مالوف^۳ و همکاران (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته نخست باید به اثر ویژگی‌های شخصیتی بر سبک‌های حل مسئله توجه کرد. یکی از ویژگی‌های افراد روان‌رنجور ناتوانی در تنظیم هیجان است (دنیل^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). دشواری در تنظیم هیجان به‌عنوان روش‌های ناسازگارانه پاسخ به

نتایج پژوهش نشان داد که مدل طراحی شده برازش مطلوب و قابل‌قبولی با داده‌های پژوهش و ارتباط نزدیکی با فرض‌های نظری در مدل آسیب‌پذیری - استرس - انطباق‌پذیری (VSA) کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) دارد. بر طبق نتایج، ویژگی‌های شخصیتی، استرس ادراک شده و سبک‌های حل مسئله ۳۷ درصد واریانس ثبات رابطه زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. براساس یافته‌ها روان‌رنجوری اثر منفی غیرمستقیم و برون‌گرایی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و انعطاف‌پذیری اثر مثبت غیرمستقیم بر ثبات زناشویی دارند و سبک‌های حل مسئله در این رابطه نقش میانجی را ایفاء می‌کنند. نتایج حاصل با یافته‌های بهروزی و همکاران (۲۰۱۷)، موسوی (۲۰۱۷)، مدوگاو کواکی - ناوکو (۲۰۱۶)، حاتمی‌ورزنه و

1. Solomon & Jackson
2. Banerjee & Basu
3. Malouff
4. Daniel

منفی را بر افکار مثبت ترجیح می‌دهد (دنیلو همکاران، ۲۰۱۶) و این باعث می‌شود که شرایط تنش‌زا را درست تحلیل نکنند و مدام با شکست‌های شناختی مواجه شوند. در دراز مدت این راهبرد منجر به حفظ و تداوم رفتارهای هیجانی منفی در فرد می‌گردد (ماسودا^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). بواسطه باور انعطاف‌ناپذیر غیرقابل کنترل دانستن رویدادها، تلاش‌های شناختی آن‌ها به اهداف مورد نظر که همان راه‌حل‌های مستدل است، منتج نمی‌شود و پس از یک تجربه طولانی مدت از این وضعیت افراد به حالت ناپایدار خستگی شناختی و درماندگی دچار می‌شوند (گلبریچ^۵، ۲۰۱۰). در نتیجه آن‌ها در برخورد با مسائل و تعارضات در زندگی از سبک‌های ناسازگارانه استفاده می‌کنند و از بحث پیرامون مشکلاتی که میان آن‌ها و همسرشان وجود دارد، کناره‌گیری و اجتناب می‌کنند (پروندی، عارفی و مرادی، ۲۰۱۶). شیوه اجتنابی در واقع حاکی از نادیده گرفتن همسر، همکاری نکردن و پاسخگو نبودن است (استیوبر^۶، ۲۰۰۵). افراد روان‌رنجور به‌علت تکانشی بودن در بازداری رفتاری و شناختی مشکل دارند (استنفورد و بارات^۷، بارات^۷، ۲۰۰۹) و به‌علت اینکه سبک پردازش اطلاعات سریعی دارند، روند تصمیم‌گیری در آنان کند و ناقص است (داو، گالو و لوکستون^۸، ۲۰۰۸). ناکامی در چشم‌پوشی از لذایذ آنی و تکانشی به-عنوان یک حالت هیجانی پیش‌بینی‌کننده تصمیم-

هیجانات تعریف شده است که شامل پاسخ‌های غیرقابل قبول، دشواری در کنترل رفتار به هنگام پریشانی و نقص در استفاده عملکردی از هیجانات به‌عنوان اطلاعات است (گراتز و رومر^۱، ۲۰۰۴). تنظیم هیجان و کارکردهای اجرایی به‌صورت غیرمستقیم به‌هم مرتبط هستند و برای تحلیل اطلاعات و اجرای فعالیت‌ها همکاری می‌کنند (بل و ولف^۲، ۲۰۰۴). دشواری در تنظیم هیجان باعث دشواری در کنترل رفتارها هنگام مواجهه با آشفتگی‌های هیجانی، دسترسی محدود به راهبردها و نقص در استفاده کارآمد از اطلاعات هیجانی برای پاسخ‌دهی به استرس و هیجانات منفی حاصل از آن می‌شود (تال^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). به‌علت اضطراب بالا افراد روان‌رنجور وقتی با یک تکلیف چالشی مواجه می‌شوند، آن را به منزله یک منبع تهدید تلقی می‌نمایند که در آن‌ها احساسات منفی و نگرانی‌های مربوط به عملکرد و افکار خودارزیابی منفی را فرا می‌خواند. این افکار که ناشی از رخداد‌های استرس-زای زندگی هستند، در برگیرنده سوگیری در پردازش اطلاعات شخصی است (نظربلند و همکاران، ۲۰۱۲). در نتیجه آن‌ها در مرحله پاسخ اولیه به مسائل با خطا و تحریف اطلاعات مواجه هستند؛ یعنی ادراک موضوعات در مرحله ورود اطلاعات نادرست است. این اطلاعات نادرست ورود به سیستم مسیرهای پردازشی بعدی را نیز با مشکل مواجه می‌سازد (نیازی و همکاران، ۲۰۱۵). آن‌ها به‌دلیل چارچوب فکری انعطاف‌ناپذیر افکار

4. Masuda
5. Gelbrich
6. Steuber
7. Stanford & Barratt
8. Dawe, Gullo & Loxton

1. Gratz & Roemer
2. Bell & Wolfe
3. Tull

تمجید و ستایش را ابراز می‌کنند؛ استفاده از پاسخ‌های قاطعانه به‌جای واکنش‌های خشونت‌آمیز در رابطه زناشویی، حالت تدافعی را که می‌تواند مانع یک رابطه مؤثر باشد، به کمترین حد خود برساند. برخورداری از مهارت‌هایی که افکار و احساسات را به‌خوبی به دیگران منتقل می‌کند، سبب غنای روابط بین‌فردی و رضایتمندی در روابط زناشویی افراد برون‌گرا می‌شود.

به‌نظر می‌رسد افراد سازگار (توافق‌پذیر) به‌علت برخورداری از ویژگی‌های صمیمیت، توانایی در درک و همدلی با دیگران در هنگام بروز تعارضات زناشویی بیشتر از بخشودگی^۵ استفاده می‌کنند. براساس رویکرد مک‌کالو^۶ (۱۹۸۸) همدلی به‌عنوان عامل اصلی در بخشش تلقی می‌شود و در واقع ظرفیت بنیادی افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام رابطه محسوب می‌شود و می‌تواند بر تعدیل رفتار اثرگذار باشد (مک‌کالو و همکاران، ۱۹۸۸). بخشودگی عملی بی‌قیدوشرط و ارزشمند است که بدون توقع جبران متقابل صورت می‌گیرد و افراد را به‌سوی بازداری از پاسخ‌های ناخوشایند ارتباطی و الگوهای نابهنجار و ناهشیار افکار اضطراب‌زا همچون نارضایتی و رنجش و رفتار کردن به‌طور مثبت نسبت به کسی که رفتار منفی با آن‌ها داشته است، متمایل می‌سازد (پارک^۷ و همکاران، ۲۰۱۳). بخشودگی همچنین از طریق مداخله در فرایند پردازش هیجانات منجر به تعدیل هیجانات منفی و روابط ناخوشایند می‌شود

گیری پرخطر است. ناتوانی در بازداری پاسخ ممکن است دلیلی برای دشواری‌های این افراد در سرکوب افکار، تصاویر و تکانه‌های مزاحم باشد. بنابراین وجود افکار مزاحم باعث تداخل در تمرکز شده و بروز تعداد خطای بیشتر و زمان واکنش طولانی‌تری را به‌دنبال دارد (اهلرز و کلارک^۱، ۲۰۰۰). از طرفی افراد روان‌رنجور به‌علت تحمل ابهام پایین به‌محض روبرو شدن با یک موقعیت پیچیده و دشوار احساس ناراحتی می‌کند (زمانی و همکاران، ۲۰۰۹) و به‌دلیل معیوب بودن سیکل شناختی خود قادر نیستند راه‌حل مناسب را پیدا کنند. در نتیجه آن‌ها در موقعیت‌های مبهم دچار اضطراب، درگیری ذهنی و فکری می‌شوند، به ایده‌های قبلی سخت‌پایند هستند و به‌هنگام مواجهه با مسائل در پردازش شواهد و اطلاعات شکست می‌خورند (زیو و تراسی^۲، ۲۰۱۴).

یکی از ویژگی‌های افراد برون‌گرا که همبستگی مثبتی با رضایت زناشویی دارد، قاطعیت است (کلاکستون^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). قاطعیت که یکی از مهارت‌های ارتباطی محسوب می‌شود، به معنای برخورداری از جسارت بدان حد است که فرد بتواند صرف‌نظر از واکنش عاطفی دیگران سؤالات و ابهامات خود را بیان کند (فودر، ویک و هارتسن^۴، ۲۰۰۶). افراد برون‌گرا به‌علت برخورداری از بیانی قاطع؛ به‌شکلی صمیمانه احساسات مثبت خود مانند قدردانی از همسر، ابراز محبت و علاقه و بیان

5. Forgiveness
6. McCullough
7. Park

1. Ehlers & Clark
2. Xu & Tracey
3. Claxton
4. Fodor & Hartsen

دهند (منصوری و همکاران، ۲۰۱۶). گرایش این افراد به عملکرد سنجیده که تفکر دقیق پیش از عمل و عدول نکردن از برنامه‌ها و احتیاط‌ها است، می‌تواند عامل مهمی در حل سازگاران مسئله از طریق تلاش، پافشاری و دقت زیادی باشد (شهسوارانی و همکاران، ۲۰۱۰). انگیزه پیشرفت بالا در افراد وظیفه‌شناس موجب می‌شود که به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها پرداخته و با استفاده از راهبردهای شناختی عمیق، هدف‌گذاری مناسب، مقابله کارآمد و مناسب با مشکلات و ناکامی برای موفقیت در عملکرد تلاش بسیاری کنند (میهر و زوشو، ۲۰۰۹). این افراد برای رسیدن به اهدافشان سعی می‌کنند در مواجهه با مسائل و تعارضات زناشویی بحث و گفتگو کنند، پیشنهاد راه‌حل داده و از رفتارهای مخرب پرهیز کنند. از آنجا که افراد با نمره بالا در وظیفه‌شناسی با وجدان و مطمئن هستند و مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرند، می‌توان انتظار داشت که آن‌ها به رابطه زناشویی خود پایبند بوده و به‌ندرت درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است. پایبندی به باورها و ارزش‌های غنی و تعهد به رابطه زناشویی می‌تواند عامل حفظ و ثبات روابط صمیمانه در افراد وظیفه‌شناس بوده و باعث می‌شود آن‌ها به هنگام مواجهه با مسائل و تعارضات در رابطه زناشویی با

که این امر از طریق فعال نمودن الگوهای هیجانی پیشین و ایجاد اطلاعات جدید حاصل می‌شود (درختکار و آهنگرکانی، ۲۰۱۶). بخشودگی از طریق کاهش خشم و تحلیل بهتر تعارضات زناشویی به اصلاح روابط زوجین و افزایش میزان احترام به همسر و دستیابی به رضایتمندی و ثبات زناشویی می‌انجامد. همچنین از آنجا که این افراد در ساختار شخصیتی‌شان عامل کنترل و تعهد وجود دارد و این عوامل مانع از این می‌شود که فرد تکانشی برخورد کند، بنابراین این افراد در برخورد با مسائل و تعارضات با اتخاذ سبک اعتماد و گرایش تأملی برخورد کرده و شیوه‌های انطباقی‌تری را در برخورد با مسائل به‌کار می‌گیرند (حسین‌خانزاده و همکاران، ۲۰۱۵).

در افراد وظیفه‌شناس، توانایی استفاده از راهبردهای فراشناختی به‌ویژه راهبرد خودتنظیمی را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در بهبود تصمیم‌گیری و استفاده از راهبردهای سازگاران در مواجهه با مسائل زناشویی دانست. خودتنظیمی سازوکاری عمیق و درونی است که بر پایه رفتارهای آگاهانه، عمدی و متفکرانه فرد شکل می‌گیرد و افراد را قادر می‌سازد فعالیت‌های هدفمند خودشان را در طی زمان و در شرایط مختلف تغییر دهند (شپرد، روتمن و کلین، ۲۰۱۱). خودتنظیمی استحکام روابط، رضایت و مشارکت زوجها را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد و با تکیه بر ارزیابی، مذاکره، تعیین هدف و خودتغییری زوجین کمک می‌کند تا آن‌ها در صورت نیاز رفتار خود را در روابط زناشویی تغییر

(۲۰۱۷)، بردیت^۴ و همکاران (۲۰۱۵)، بریپیل^۵ و همکاران (۲۰۱۶)، فلاکونیر^۶ و همکاران (۲۰۱۵)، فلاکونیر، رندال و بودنمن (۲۰۱۶)، بابایی گرمخانی، رسولی و داورنیا (۲۰۱۷)، نریمانی و همکاران (۲۰۱۵)، مرز و همکاران (۲۰۱۴)، بانرجی و باسو^۷ (۲۰۱۴)، محمدی فر و نجفی (۲۰۱۴) و رندال و بودنمن (۲۰۰۹) همسو است.

در تبیین این یافته نخست باید به اثرات منفی استرس بر عملکرد شناختی و کارکردهای اجرایی اشاره کرد. اساس این نقایص شناختی به میزان بسیاری به عدم توجه، ناتوانی در توجه و تداخل در فرایند رمزگردانی به هنگام مواجهه فرد با رویدادهای استرس‌زا مربوط می‌شود. استرس در یافتن راه‌حل‌های گوناگون که جز ضروری فرایند تصمیم‌گیری و حل مسئله است، تداخل ایجاد می‌کند (هرت ویگ و فری^۸، ۲۰۱۷). تداخل استرس استرس با اثرگذاری بر عملکرد شناختی از طریق محصور کردن منابع اندوزش و پردازش حافظه فعال صورت می‌گیرد. چنین فرایندی خود به افزایش اضطراب منجر شده و باعث می‌شود باورهای معیوب درباره توانایی فرد در حل مسئله شکل گرفته و عملکرد شناختی فرد را مختل سازد (دبرکر و همکاران، ۲۰۱۶). تداخل شناختی ناشی از این افکار، پردازش شناختی، حافظه فعال و ذخیره‌سازی اطلاعات را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا فرد نتواند الگوی رفتاری مناسبی را جهت حل-

مواجهه فعال و مؤثر با مسائل به حل اختلافات و مشکلات بپردازند (موسکو^۱، ۲۰۰۹).

ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری با جنبه‌های مختلف هوش مانند تفکر واگرا که عامل خلاقیت است، مربوط است. خلاقیت زمانی بروز می‌کند که ذهن انسان از بکارگیری راهکارهای تجربه شده فراتر رود و راهکارهای جدیدی را بیازماید. ویژگی بارز سبک تفکر خلاق، به چالش طلبیدن هنجارها و ریسک‌پذیری است (شاور، ویلیامز و اسکات^۲، ۲۰۰۹). این افراد هنگام مواجهه با مسائل از توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های سخت برخوردارند (دنيس و وندروال^۳، ۲۰۱۰). از آنجا که این افراد موقعیت‌های سخت را به‌عنوان موقعیت‌های قابل‌کنترل ادراک می‌کنند، تحمل و انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به تعارضات و امور مبهم دارند و علاقمند به بکارگیری اصول انتزاعی و مجرد برای حل مشکلات در زندگی خود هستند. آن‌ها به‌علت برخورداری از ویژگی تاب‌آوری، رویدادهای منفی را به‌صورت انعطاف‌پذیرتر و واقع‌بینانه‌تر در نظر گرفته و مشکلات را اغلب موقتی و محدود می‌دانند (زناسنی، بسانکوم و لوبارت، ۲۰۰۶).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که استرس ادراک شده با میانجی‌گری سبک‌های حل مسئله بر ثبات رابطه زناشویی اثر منفی غیرمستقیم دارد. نتایج یافته حاضر با نتایج پژوهشی محمدی و باقری (۲۰۱۸)، لاونر و برادبوری (۲۰۱۷)، رندال و بودنمن

4. Birditt
5. Berryhill
6. Falconier
7. Banerjee & Basu
8. Hertwig & Frey

1. Mosako
2. Shaver, Willams & Scott
3. Dennis & Vander Wal

(اوندر^۴، ۲۰۱۲). افراد برون‌گرا به علت برخورداری از عواطف مثبت انگیزه بیشتری برای کاهش عاطفه منفی استرس دارند (لونگو^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). گرایش فرد برون‌گرا به ادراک محرک‌های مثبت، به کاهش آثار رویدادهای منفی و تمرکززدایی از رخداد‌های منفی به سمت رخداد‌های مثبت و ادراک کمتر از استرس منتهی می‌شود (شهسواری و همکاران، ۲۰۱۲). در افراد وظیفه‌شناس برخورداری از نظم درونی و کنترل بر رفتار خود به حفظ سطح توجه در موقعیت تنش‌زا کمک کرده و اثر منفی استرس بر توجه را تا حد زیادی خنثی می‌نماید (شهسواری و همکاران، ۲۰۱۰). در افراد انعطاف‌پذیر به علت تمایل زیاد به خلاقیت و کنجکاوی، توجه و پردازش شناختی این افراد هنگام مواجهه با موقعیت استرس‌زا معطوف به وضعیت هیجانی پیش آمده شده و درصدد بررسی و در میان گذاشتن این حالات درونی و بیرونی با دیگران بر می‌آیند (شهسواری و همکاران، ۲۰۰۹). افراد با ویژگی شخصیتی سازگاری به دلیل برخورداری از عواطف مثبت تحت شرایط استرس‌زا مشغولیت ذهنی و رفتاری بیشتری به کاهش احساسات منفی و افزایش پیوندهای اجتماعی در جهت متعادل ساختن این وضعیت نشان می‌دهند. ویژگی سازگاری نقشی تعدیل کننده در ادراک استرس دارد؛ زیرا نمرات بالا در این عامل خنثی کننده آثار منفی عامل روان‌رنجوری است و به خودتنظیمی بیشتر فرد در

مسئله برگزیند تا موضوع تهدید کننده را تغییر داده یا حل کند (نظربلند و همکاران، ۲۰۱۲). براساس نظریه‌های پردازش شناختی نحوه پردازش محرک‌های محیطی نقش اساسی در ادراک و شکل‌گیری رفتار دارد (مोजزیچ^۱، ۲۰۱۵). افراد براساس رگه‌های بنیادی شخصیت خود ممکن است نسبت به برخی محرک‌ها و رویدادها سوگیری انتخابی داشته و در نتیجه به علت پردازش انتخابی، ادراکات متفاوتی از رویدادها داشته باشند. سوگیری توجهی نسبت به اطلاعات تهدید کننده فعالیت‌های جاری شناختی را با جهت برگردانی منابع توجه از مسئله در حال انجام تخریب می‌کند (هایز^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). این پردازش انتخابی برای رگه‌های شخصیتی که دارای مؤلفه هیجانی هستند یا رگه‌هایی نظیر رگه‌های برون‌گرایی که با حالت عاطفی رابطه قوی دارند، بارزتر است (متیوز و مکینتاش^۳، ۱۹۹۸). افراد روان‌رنجور در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا به جای ادراک موقعیت استرس‌زا به عنوان موقعیت قابل کنترل از یک الگوی انعطاف‌ناپذیر در سازش با موقعیت پیروی می‌کنند. آن‌ها با فاصله‌گیری، اجتناب و بی‌توجهی اقدام به گریز از موقعیت استرس‌زا کرده و احساس ناکامی کم‌ارزشی و ناتوانی می‌کند (ماسودا و همکاران، ۲۰۱۱). این ویژگی‌ها باعث می‌شود این افراد به هنگام مواجهه با تعارضات در تعاملات زناشویی، با فرار و اجتناب از مسائل به سستی و بی‌ثباتی رابطه خود دامن بزنند و باعث کاهش ثبات و کیفیت رابطه زناشویی شوند

4. Onder
5. Longua

1. Mojzisch
2. Hayes
3. Mathews & Mackintosh

استفاده از ابزارهای خودگزارشی، استفاده از نمونه در دسترس و مقطعی بودن از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. همچنین از آنجا که پژوهش حاضر در شهر تهران انجام شده است، بنابراین لازم است در تعمیم نتایج حاصل احتیاط کرد. از آنجا که آسیب‌پذیری‌های پایدار نقش اساسی در پیش‌بینی کیفیت و ثبات رابطه زناشویی دارند، بنابراین لازم است در فرایند مشاوره قبل از ازدواج، آسیب‌پذیری‌های اولیه زوجین توسط مشاوران و روان‌شناسان مورد ارزیابی قرار گیرد تا در صورت لزوم مداخلات، توصیه‌ها و اقدامات پیشگیرانه صورت گیرد. با توجه به نتایج پژوهش که گویای اهمیت سبک‌های سازگارانه حل مسئله به‌عنوان رفتارهای نگهدارنده پیوند زناشویی است، پیشنهاد می‌شود مهارت حل مسئله جهت کاهش تعارضات در رابطه زناشویی به زوجین آموزش داده شود؛ زیرا آگاهی زوجین از طبیعی بودن اختلافات و تعارضات و تغییر شیوه نگرستن زوجین به تعارضات به‌عنوان یک مسئله و چالش برای حل کردن و نه یک عامل تهدید؛ می‌تواند در حل تعارضات به زوجین کمک بسیاری کند. همچنین با توجه به اثرات استرس بر روابط زوجین، پیشنهاد می‌شود رویکردهای مقابله با استرس که بر تعدیل الگوهای رفتاری و فکری زوجین به‌منظور کاهش ارزیابی‌های شناختی نادرست تأکید دارند، به زوجین آموزش داده شود تا این طریق از تأثیرات مخرب استرس بر رابطه زناشویی جلوگیری شود.

شرایط استرس‌زا می‌انجامد (شهسوارانی و همکاران، ۲۰۰۹).

بر طبق یافته‌های کارنی و برادبوری استرس‌های مزمن در وقایع روزانه، پیش‌بینی کننده منفی مهمی در رضایت زناشویی و ثبات در روابط زناشویی تلقی می‌شوند (کارنی و برادبوری، ۱۹۹۵). به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد استرس از طریق ایجاد هیجانات و عواطف منفی و اختلال در فرایند حل مسئله، قضاوت و تصمیم‌گیری بر تعاملات و روابط زوجین اثری منفی گذاشته و سبب می‌شود فرد در رابطه زناشویی با کوچکترین تعارض و مسئله دست به واکنش‌های هیجانی شدیدی زده و مشکلات روان‌شناختی فراوانی را برای همسر خود ایجاد کند. زوجینی که هنگام مواجهه با مسائل تنش‌زا قادر نیستند به راه‌حل‌های گوناگون بیندیشند و نمی‌توانند پیامدهای عمل خود را پیش‌بینی کنند، در موقعیت‌های تعارض‌آمیز به احتمال بیشتری رفتار خشونت‌آمیز نشان می‌دهند و با برخورد غیرمنطقی با رویدادهای استرس‌زا به تعارضات زناشویی دامن می‌زنند. آن‌ها با معلق نگه داشتن موضوع از مواجهه با تعارض و موقعیت تنش‌زا اجتناب می‌کنند. تعامل چنین زوج‌هایی اغلب با رفتار منفی متقابل همراه است و به پیامدهایی نظیر انتقادگرایی بیش از حد، انتظارات بسیار بالا از عملکرد دیگران، پاسخ‌دهی نامناسب به علایم هیجانی، اجتناب و درماندگی منجر می‌شود.

- شهبسوارانی، ا. م؛ رسولزاده طباطبایی، س. ک؛
اللهیاری، ع. ع؛ عشایری، ح. و ستاری، ک. (۱۳۸۹).
تأثیر استرس بر توجه انتخابی بینایی با نگاه به عامل
شخصیتی وظیفه‌شناسی. *مجله روان‌پزشکی و روان-
شناسی بالینی ایران*، سال شانزدهم، شماره ۳، ۲۱۹-
۲۰۳.
- شهبسوارانی، ا. م؛ رسولزاده طباطبایی، س. ک؛
اللهیاری، ع. ع؛ عشایری، ح. و ستاری، ک. (۱۳۸۸).
تأثیر استرس بر توجه بینایی متمرکز و انتخابی با
نگاه به عامل شخصیتی دلپذیر بودن. *فصلنامه تازه-
های علوم شناختی*، سال ۱۱، شماره ۳، ۶۱-۴۷.
- شهبسوارانی، ا. م؛ رسولزاده طباطبایی، س. ک؛
اللهیاری، ع. ع؛ عشایری، ح. و ستاری، ک. (۱۳۹۰).
نقش روان‌رنجوری در تأثیر استرس بر توجه انتخابی
بینایی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*،
سال ششم، شماره ۲۱، ۲۹۷-۲۶۸.
- شهبسوارانی، ا. م؛ عشایری، ح؛ محمدی، ع. و
ستاری، ک. (۱۳۹۱). تأثیر استرس بر توجه بینایی
انتخابی با نگاه به عامل شخصیتی برون‌گرایی. *دو
فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی بالینی و
شخصیت*، دانشگاه شاهد، سال نوزدهم، دوره جدید،
شماره ۶، ۱۴-۱.
- شهبسوارانی، ا. م؛ پوراسماعیلی، ع. و فاتحی‌زاده، م.
(۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و
سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین.
مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال
چهارم، شماره ۱، ۸۳-۷۱.
- مامی، ش؛ صفری، ع. م؛ منصوریان، م؛ قربانی،
م. و کیخاونی، س. (۱۳۹۵). کاهش تعارضات
زناشویی با آموزش مهارت حل مسئله در مراجعین
به مرکز مشاوره کمیته امداد امام (ره) شهر ایلام.
مجله راه‌آورد سلامت، دوره ۲، شماره ۱، ۳۸-۲۹.
- محمدی، ف. و صاحبی، ع. (۱۳۸۰). بررسی سبک
حل مسئله در افراد افسرده و مقایسه با افراد عادی.
مجله علوم روان‌شناختی، سال اول، شماره اول، ۴۳-
۲۴.
- منصوری، ن؛ کیمیایی، س. ع؛ مشهدی، ع. و
منصوری، ا. (۱۳۹۵). اثربخشی زوج‌درمانی
خودتنظیمی بر رضایت زناشویی، سبک‌های هویت
و حل مسئله خانواده. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی
روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، دوره
۱۴، شماره ۱، پیاپی ۱۶، ۶۰-۵۱.
- مهری‌نژاد، س. ا؛ مکرمی، م. و استوار، ز.
(۱۳۹۴). آموزش مدیریت استرس به شیوه درمان
شناختی - رفتاری بر سازگاری زناشویی در همسران
جانبازان جنگ تحمیلی مبتلا به اختلال استرس پس
از سانحه. *فصلنامه علوم اعصاب شفای خاتم*، دوره
سوم، شماره سوم، ۸۰-۷۱.
- نریمانی، م؛ پوراسماعیلی، ا؛ میکائیلی، ن. و
حاجلو، ن. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی
زوجین در رابطه بین آسیب‌پذیری‌های بادوام و
دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *دو
فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، دوره دوم،
شماره ۲، ۴۹-۲۳.

نیازی، ل؛ نظری، م. ع؛ نجاتی، و. و حاتمی، ج. (۱۳۹۴). تصمیم‌گیری پرخطر افراد اضطرابی برای خود و دیگری: مطالعه‌ای مبتنی بر پتانسیل فراخوانده. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۷ (۳)، ۲۹-۲۰.

- Arslan, C. (2016). "Interpersonal problem solving, self-compassion and personality traits in university students". *Academic journals*, Vol. 11(7), pp. 474-481.

- Banerjee, S., & Basu, J. (2014). "Personality factors, attachment styles and coping strategies in couples with good and poor marital quality". *Psychol Stud*, 59(1): 59-67.

- Bell, M. A., & Wolfe, C. D. (2004). "Emotion and cognition: An intricately bound developmental process". *Child development*, 75(2), 366-370.

- Berryhill, M. B., Soloski, K. L., Durtschi, J. A., & Reyes-Adams, R. (2016). "Family process: early child emotionality, parenting stress and couple relationship quality". *Pers Relatsh*, 23:23-41.

- Bertoni, A., & Bodenmann, G. (2010). "Satisfied and dissatisfied couples: Positive and negative dimensions, conflict styles and relationships with family of origin". *European Psychologist*, 15(3):175-184.

- Birditt, K. S., Newton, N. J., Cranford, J. A., & Ryan, L. H. (2015). "Stress and Negative Relationship Quality among Older Couples: Implications for Blood Pressure". *Journal of Social and Personal Relationships*, 29(3): 375-396.

- Bolvardi, A., Damavandian, A., & Talebi, M. (2015). "The Relation between Personality Traits and Marital Satisfaction in Couples Who Refer to Tehran's Family

نظربلند، ن؛ آزادفلاح، پ؛ فتحی‌آشتیانی، ع؛ عشایری، ح. و خدادادی، م. (۱۳۹۱). رابطه رگه شخصیتی اضطراب با عملکرد مؤثر و کفایت پردازش حافظه کاری. *مجله روان‌شناسی*، شماره ۶۱، ۶۹-۵۱.

Judicial Complexes". *Iran J Health Educ Health Promot*, 5, 1249-1255.

- Braithwaite, S. R., Mitchell, C. M., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2016). "Trait forgiveness and enduring vulnerabilities: Neuroticism and catastrophizing influence relationship satisfaction via less forgiveness". *Personality and Individual Differences*, 94: 237-246.

- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). "Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life". *Journal of Marriage and Family*, 76, 930-948.

- Cassidy, T., & Long, C. (1996). "Problem – solving style, stress and psychological illness: development of a multifactorial measure". *British journal of clinical psychology*, 35, 256-277.

- Cisler, J. M., & Koster, E. (2012). "Mechanisms of Attentional Biases towards Threat in the Anxiety Disorders: An Integrative Review". *Clinical Psychology Review*;30(2):203-8.

- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J. Z., & DeLongis, A. (2012). "Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach". *Journal of Social and Personal Relationships*, 29(3), 375-396.

- Cohen, S., Janicki-Deverts, D., & Miller, G. E. (2012). Who's Stressed? Distribution of Psychological stress.

- Cohen, S., Kamarck, T., & Mermelstein, R. (1983). "A global measure of perceived stress". *Journal of Health and Social Behavior*, 24, 385-396.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Daniel, J., Paulus, A., Salome Vanwoerden, P. J., & Norton, C. S. (2016). "Personality and Individual Differences, From neuroticism to anxiety: Examining unique contributions of three transdiagnostic vulnerability factors". *Personality and Individual Differences*, 94 (2016) 38-43.
- Dawe, S., Gullo, M. J., & Loxton, N. J. (2008). "Impulsivity and adolescent substance use: Rashly dismissed as "all-bad"?" *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 32, 1507-1518.
- De Berker, A. O., Tirole, M., Rutledge, R. B., Cross, G. F., Dolan, R. J., & Bestmann, S. (2016). "Acute stress selectively impairs learning to act". *Sci Rep*, 6: 29816.
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2009). The relationship between life event, stress, cognitive flexibility, coping and depression: A longitudinal study. Manuscript in preparation, Saint Louis University, MO.
- Diener, E., & Lucas, R. E. (2018). Personality traits. In R. Biswas-Diener & E. Diener (Eds), *Noba textbook series: Psychology*. Champaign, IL: DEF publishers.
- Falconier, M. K., Nussbeck, F., Bodenmann, G., Scheider, H., & Bradbury, T. N. (2015). "Stress from daily hassles in couples: its effects on intradyadic stress, relationship satisfaction, and physical and psychological well-being". *J Marital Fam Ther* 2015, 41:1-15.
- Falconier, M. K., Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2016). *Couples Coping with Stress: A Cross-cultural Perspective*. Routledge; 2016. A cross-cultural perspective of stress and coping.
- Fodor, E. M., Wick, D. P., & Hartsen, K. M. (2006). "The power motive and affective response to assertiveness". *Journal of Research in Personality*, 40(5), 598-610.
- Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). "Coming apart: A Prognostic instrument of marital breakup", *Family Relations*, 36, 168-170.
- Ehlers, A., & Clark, D. M. (2000). "A cognitive model of posttraumatic stress disorder". *Behaviour Research and Therapy*, 38, 319-45.
- Gelbrich, K. (2010). Anger, frustration, and helplessness after service failure: coping strategies and effective informational support). *J. of the Acad. Mark. Sci.* 38: 567-585.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). "Multidimensional Assessment of Emotion Regulation and Dysregulation: Development, Factor Structure and Initial Validation of The difficulties in Emotion Regulation and Dysregulation". *Psychopathology and Behavioral Assessment*. 26, (1), 41- 54.
- Hayes, J. P., LaBar, K. S., Petty, C. M., McCarthy, G., & Morey, R. A. (2009). "Alterations in the neural circuitry for emotion and attention associated with post-traumatic stress symptomatology". *Psychiatry Research: Neuroimaging*, 172, 7-15.

- Heppner, P. P., He, Y., Tsai, C. L., & Lin, Y. J. (2008). "Problem-solving Appraisal." *Encyclopedia of Counseling*, 787-790.
- Hertwig, R., & Frey, R. (2017). "How representations of knowledge shape actions". *Knowledge Action*, 9:127-143.
- Iveniuk, J., Waite, L.J., Laumann, E., McClintock, M.K., & Tiedt, A.D. (2014). Marital conflict in older couples: Positivity, personality, and health. *Journal of Marriage and Family*, 76, 130-144.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). "The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research". *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Langer, A., Lawrence, E., & Barry, R. A. (2008). "Using a Vulnerability-Stress-Adaptation Framework to Predict Physical Aggression Trajectories in Newlywed Marriage". *Journal of Consulting and Clinical Psychology* Copyright 2008 by the American Psychological Association 2008, Vol. 76, No. 5, 756-768.
- Lavner, J. A., & Bradbury, T. N. (2017). "Protecting relationships from stress". *Current Opinion in Psychology*, 13: 11-14.
- Loehlin, J. C. (2004). *Latent Variable Models*, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Longua, J., DeHart, T., Tennen, H., & Armeli, S. (2010). "Personality moderates the interaction between positive and negative daily events predicting negative affect and stress". *Journal of Research in Personality*, 43, 547-555.
- Madugah J., & Kwakye-Nuako, C. O. (2016). Marriage is Better for Certain Personality Types: Exploring The Relationship Between Personality and Marital Adjustment in a sample of Nungua Residents. Proceedings of INCEDI 2016 Conference, 29th-31st August 2016, Accra, Ghana.
- Maehr, M. L., & Zusho, A. (2009). Achievement goal theory: The past, present and future. In K. R. Wentzel & A. Wigfield (Eds.), *Handbook of motivation in school*. New York: Taylor Francis.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). "The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis". *Journal of Research in Personality*, 44: 124-127.
- Maner, J. K., Richey, J. A., Cromer, K., Mallott, M., Lejuez, C. W., Joiner, T. E., & Schmidt, N. B. (2007). "Dispositional Anxiety and Risk-Avoidant Decision-Making". *Personality and Individual Differences*, 42: 665-75.
- Masuda, A., Anderson, P. L., Wendell, J. W., Chou, Y-Y., Price, M., & Feinstein, A. B. (2011). "Psychological flexibility mediates the relations between self-concealment and negative psychological outcomes". *Personality and Individual Differences*, 50(2): 243-7.
- Mathews, A., & Mackintosh, B. (1998). "A Cognitive Model of Selective Processing in Anxiety". *Cognitive Therapy and Research*, 22(6), 539-560.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (2004). "A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory". *Personality and Individual Differences* 36, 587-596.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L. J. R., Brown, S. W. & Hight, T. L. (1998). "Interpersonal forgiving in close

- relationships II: Theoretical elaboration and measurement". *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(6), 1586-1603.
- Merz, C. A., Meuwly, N., Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2014). Engaging in dyadic coping: buffering the impact of everyday stress on prospective relationship satisfaction. *Fam Sci* 2014, 5: 30-37.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*. New York: The Guilford Press.
- Mitchell, K. S., & Plauche, H. (2018). "Marital Stability". *SSRG International Journal of Humanities and Social Science (SSRG- IJHSS)*, Volume 5, Issue 3, May-Jun 2018.
- Mohammadi, E., & Bagheri, M. (2018). "The Role of Perceived Social Support and Aspects of Personality in the Prediction of Marital instability: The Mediating Role of Occupational Stress". *International Journal of Psychology*, Vol. 12, No. 1, Winter & Spring 2018.
- Mohammadyfar, M. A., & Najafi, M. (2014). "Comparison of Personality Trait and Marital Satisfaction in Veterans with and without Post-Traumatic Stress Disorder". *Iranian Journal of War & Public Health*, 6(3): 101-107.
- Mojzisch, A. (2015). "Exploring the underpinnings of impaired strategic decision-making under stress". *Journal of Economic Psychology*, 49, 133-140.
- Mosako, J. (2009). *Commitment and attachment dimensions*. (Doctoral Dissertation). Purdue University.
- Mousavi, R. (2017). "Relationship between Big Five Personality Factors Neuroticism, Extraversion, Agreeableness, Openness, Loyalty and Marital Adjustment". *Neuro Quantology*. Volume 15, Issue 4, P. 63-68.
- Onder, N. (2012). *The mediating role of coping strategies in the basic personality traits-Ptg And Locus of control-Ptg relationships in breast cancer patients*. [dissertation]. Middle East Technical University, 2012.
- Park, J. H., Enright, R. D., Essex, M. J., Waxler, C., & Klatt, J. S. (2013). "Forgiveness intervention for female South Korean adolescent aggressive victims". *J Appl Dev Psychol*. 34 (6): 268-2760.
- Pereira-Morales, A. J., Adan, A., Sandra Lopez-Leon, S., Diego, A., & Forero, D. A. (2018). "Personality traits and health-related quality of life: the mediator role of coping strategies and psychological distress". *Ann Gen Psychiatry*, 17:25.
- Proulx, C. M., Helms, H. M., & Buehler, C. (2007). "Marital quality and personal well-being: A meta-analysis". *Journal of Marriage and Family*, 69, 576-593.
- Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2017). "Stress and its associations with relationship satisfaction". *Current Opinion in Psychology*, 2017, 13: 96-106.
- Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2009). "The role of stress on close relationships and marital satisfaction". *Clin Psychol Rev*. 29(2): 105-15.
- Russell, D. W., Kahn, J. H., Spoth, R., & Altmaier, E. M. (1998). "Analyzing data from experimental studies: A latent variable structural equation modeling approach". *J Counsel Psychol*, 45: 18-29.
- Shansky, R. M., & Lipps, J. (2013). "Stress-induced cognitive dysfunction: hormone neurotransmitter interactions in

the prefrontal cortex". *Front Hum Neurosci*, 7, 123.

- Shaver, K. G., Willams, S. I., & Scott, L. R. (2009). Entrepreneurial beliefs. Creativity and risk-taking: Personality or situation. Unpublished Manuscript, College of William and Mary.

- Shepperd, J. A., Rothman, A. J., & Klein, W. M. P. (2011). "Self regulation, identity-regulation and health". *Self and Identity*, 10, pp. 281-83.

- Solomon, B. C., & Jackson, J. J. (2014). "Why Do Personality Traits Predict Divorce? Multiple Pathways through Satisfaction". *Journal of Personality and Social Psychology*, 106, 978-996.

- Stanford, M. S., & Barratt, E. S. (2009). "Impulsivity and the multiimpulsive personality disorder". *Pers Individ Dif*, 13(4): 831-834.

- Steuber, K. R. (2005). Adult attachment, conflict style and relationship satisfaction: comprehensive model [dissertation]. Wilmington: Delaware University.

- Timothy, W. S., & Paula, G. W. (2016). "Assessment of social traits in married couples: Self-reports versus spouse ratings around the interpersonal circumflex". *Psychological Assessment*, 28(6): 726-736.

- Trull, T. J., & Widiger, T. A. (2013). "Dimensional models of personality: the five factor model and the DSM-5". *Dialogues Clin Neurosci*, 15: 135-46.

- Tull, M. T., Stipelman, B. A., Salters-Pedneault, K., & Gratz, K. I. (2009). "An examination of recent non-clinical panic attacks, panic disorder, anxiety sensitivity, and emotion regulation difficulties in the prediction of generalized anxiety disorder in an analogue sample". *Journal of anxiety disorders*, 23, 275- 282.

- Wheeler, L. A., Kimberly, A. U., & Shawna, M. T. (2010). "Conflict Resolution in Mexican-origin Couples: Culture, Gender and Marital Quality". *Published in final edited form as: Journal Marriage Fam*, 72(4): 991-1005.

- Xu, H., & Tracey, T. J. G. (2014). "The role of Ambiguity Tolerance in Career Decision Making". *Counseling & Counseling Psychology, Arizona State University, Tempe, AZ*, 85287-0811.

- Yu, R. (2016). "Stress potentiates decision biases: A stress induced deliberation-to-intuition (IDI) model". *Neurobiology of Stress*, 3, 83-95.

- Zamani, T., Zakaria, A., Bagheri, F., & Sohrabi, F. (2009). "Comparison and relationship level of tolerance of ambiguity and sensory processing styles in women with heart disease and normal women". *Journal of research in mental health*, 3(2), 51-61.

- Zenasni, F., Besancon, M., & Lubart, T. (2006). "Creativity and tolerance ambiguity: An empirical study". *J Creat Behav*, 42(1): 61-73.